

تاریخی (ولی نه تقصیر!) خود اعلام کند، روسیه هیچ آسیبی نخواهد دید. اما این کار بلافاصله آب پاکی روی دست سیاستمداران افراطی دولتهای اروپایی «جدید» خواهد ریخت که در زمان خود از دست «اشغالگران شوروی» اراضی عظیمی را دریافت کردند و کماکان نتوانسته‌اند از این میراث «گذشته شوم» دست بکشند.

ورود سرمایه آلمانی به صنایع، علم و پژوهشهای مشترک و نیز رخنه مشترک به بازارهای کشورهای آسیایی برای روسیه در آینده سود به مراتب بیشتری خواهد داشت تا موافقت و اشنگتن با عدم توسعه ناتو به عنوان بهای قطع مناسبات روسیه با ایران. اتحاد با بیلوروسی، ائتلاف اقتصادی با غرب نزدیک (آلمان) و تجدید گرایش سیاست خارجی به قدرتهای منطقه‌ای خاورمیانه و دور برای روسیه از پیروزی‌های مختلف تاکتیکی، نظیر دریافت بخش نوبتی وام صندوق بین‌المللی پول، اهمیت به مراتب بیشتری دارد و اما آلمانی‌ها بخوبی می‌فهمند که استفاده از شیوه‌های اقتصادی و مالی برای احیای وضع حقوقی ژئوپلیتیکی طبیعی آلمان بعد از جنگ مؤثرتر است تا کاربرد شیوه‌های نظامی و سیاسی. به همین دلیل روسیه در آینده نزدیک شاهد نه تنها سرمایه‌گذاری‌های گسترده آلمانی‌ها در این کشور بلکه تکمیل منابع مالی - تکنولوژیک آلمان به وسیله منابع طبیعی و انسانی روسیه خواهد بود. آنگاه محور واقعی برلین - مسکو ایجاد خواهد شد.

الکساندر فومنکو، نژاویسیمایا گازتا، ۸ آوریل ۱۹۹۷

## روسیه به چین نیاز بیشتری دارد

### تا چین به روسیه

بتازگی در پکن نمایشگاه بزرگ صنعتی بین‌المللی به پایان رسید. کمپانی‌های روسی که در آن شرکت نمودند، برای قراردادهای سودمند در بازار آینده‌دار چین رقابت می‌کردند. جیانگ زمین، رئیس‌جمهور چین، از مسکو دیداری به عمل آورد که هدف آن، بررسی همکاری‌های صنعتی بین دو کشور بود. به علت مشکلات سخت با ایالات متحده درباره توسعه ناتو به شرق، مسکو برای مناسبات با چین اهمیت خاصی قائل است. به گفته بوریس یتسین، روسیه «نمی‌خواهد که آمریکا به همه امر کند. روسیه یک قطب است، ایالات متحده قطب است، چین و هند دو قطب هستند. قطبهای دیگر هم می‌توانند باشند». این نظریه جهان چندقطبی برخلاف سلطه آمریکایی بر جهان، هنوز با استقبال خاص چین روبه‌رو نشده است.



رهبران چین در مناسبات خود با روسیه کماکان سیاست حسابگرانه‌ای را دنبال می‌کنند که کاملاً جوابگوی ضرب‌المثل قدیمی چینی درباره «میمونی که به نبرد خونین خرس و ببر می‌خندد»، است. به نظر می‌رسد که حرکتهای تب‌آلود مسکو «از یک قطب به قطب دیگر» بر نظریه بلندمدت (یا حتی کوتاه‌مدتی) استوار نیست که شرایط ویژه چین را در نظر بگیرد. این فرق اساسی بین مسکو و پکن است که به تصمیمات کوتاه‌مدت اکتفا می‌کند، به این امید که زمان به نفع چین کار کند.

### برنامه تصورناپذیر رشد تجارت دو جانبه

بزرگترین روزنامه چین «ژنمین ژیبائو» در تحلیل خود پیرامون نتایج دیدار چن چیچن، وزیر امور خارجه چین از مسکو، بویژه به تمایل دولت روسیه مبنی بر افزایش حجم تبادلات بازرگانی متقابل از ۷ تا ۲۰ میلیارد دلار اشاره کرد. ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست چین از تفسیر واقع‌بینانه بودن آهنگ رشد که مسکو پیشنهاد کرده است، خودداری می‌کند. این روزنامه فقط خاطر نشان می‌سازد که جمهوری خلق چین هم‌اکنون شریک پنجم بازرگانی روسیه بعد از اوکراین، آلمان، ایالات متحده و بیلوروسی شده است. ولی تحلیلگران هنگ‌کنگ و تایوان بدبینی بیشتری را از خود نشان می‌دهند. وضعیت کنونی واقعاً باعث شک در عملی بودن برنامه‌های رهبران روسیه می‌شود. البته، اگر روسیه طی یکی دو سال آینده نتواند وضع خود را اصولاً دگرگون سازد.

کمپانی‌های بزرگ روسیه (که آمار رسمی عمدتاً فعالیت آنها را در نظر می‌گیرد) نمی‌توانند در چین از موفقیت‌های خاص خود تعریف کنند. اینجا تنها کارخانجات «واز» و «کاماز» کمابیش مشاهده می‌شوند. اما آنها فقط در استانهای کمتر توسعه یافته شمالی (که همیشه به اتحاد شوروی گرایش داشتند) مواضع معینی دارند در حالی که در جنوب و مرکز چین کمپانی‌های غربی فولکس واگن، فورد، میتسوبیشی و غیره جای آنها را گرفته‌اند. مدتی پیش روزنامه‌ها نوشته بودند که چین حاضر است از کارخانه «واز» یک خط مونتاژ مدل پنجم «لادا» را بخرد که در چین کماکان محبوبیت دارد. اما این مذاکرات در مرحله اول متوقف شد. طبق اطلاعات مطبوعات هنگ‌کنگ تنها کمپانی‌های روسی که کود شیمیایی و بویژه اوره



می‌فروشند، وضعیتشان خوب است. ولی شرکتهای دیگر پشت سر هم تعطیل می‌شوند. برای مثال، اخیراً نمایندگی کنسرن «جنگل روسیه» تعطیل شد. ظاهراً نمایندگی کارخانه تراکتورسازی چلیابینسک، شریک دیرینه و نیرومند بازرگانی چین، بساط خود را جمع خواهد کرد.

ضعف رقابتی کمپانی‌های دولتی روسی چند علت دارد. اولاً، رشد قیمت‌ها در بازار داخلی روسیه و فقدان زیربنای مؤثر حمل و نقل، صادرات به چین را بسیار گران می‌سازد. چینی‌ها به همین قیمت (و حتی ارزانتر) کالاهای بهتری را از کره جنوبی و ژاپن می‌خرند. ثانیاً، به علت بدهی‌های متقابل مستمر در روسیه، شرکتهای روسی از سرمایه‌آزاد که برای معاملات جدید لازم است، برخوردار نیستند. زمانی بود که مبادله کالا به صورت تهاتر کمک می‌کرد؛ ولی بازار چینی سریع رشد می‌کند و موانع بروکراتیک بر سر راه تجارت در روسیه بسیار زیاد هستند. به همین دلیل هر دو طرف از این گونه تبادلات خودداری کردند. اگر قبلاً روسها همراه با قزاقها امیدوار بودند که به چین غله بفروشند، اکنون وضع برعکس شده است. در حالی که در قزاقستان و روسیه محصول غله تنزل می‌یابد و در مناطق شمالی چین ازدیاد تولید گندم مشاهده می‌شود و حتی معلوم نیست با آن چه کار باید کرد: در کشور تعداد کافی انبار وجود ندارد. پیشنهاد همکاری در زمینه مواد انرژی‌زا نیز با برخورد سرد چین روبه‌رو می‌شود. فروش نیروی برق و مواد انرژی‌زا حالت استراتژیکی دارد؛ ولی پکن نمی‌خواهد خود را پایبند تعهداتی نسبت به دولت بی‌ثبات روسی و کنسرنهایی که بخاطر نداشتن پول مالیات نمی‌پردازند، بکند.

### اقتصاد بازاری در مرکز پکن

انعطاف‌ناپذیری واحدهای دولتی روسی به چشم می‌خورد. همه نمایندگی‌های آنها در دو هتل مرکزی پکن واقع شده است. به نظر می‌رسد که آنها از «سرمایه‌داری مردمی» که بازار معروف «یاباولو» مظهر آن شده است، فاصله می‌گیرند. ولی هر شهروند جامعه مشترک‌المنافع که حداقل یک بار در چین کار تجاری کرده باشد، این بازار را می‌شناسد. «یاباولو» یعنی محل تجمع نمایندگی‌های شرکتها و کارخانجات کوچک و دفاتر مختلف دلالی است. بخشی از این

بازار به دهک‌های سنتی بازارهای آسیایی تعلق دارند و در ماقبی محوطه آنها مغازه‌ها و فروشگاه‌های مختلف گذاشته شده‌اند. زیربنای مدرن نیز توسعه می‌یابد. غیراز ساختمان ۷ طبقه موجود، ساختمان دوازده طبقه جدیدی احداث می‌شود که تماماً به دفاتر تجاری تعلق خواهد گرفت. این بازار در ناحیه مرکزی پکن، در نزدیکی به اصطلاح محله سفارتها واقع شده است (سفارت روسیه که از همه بزرگتر است ولی از همه کارآمدتر نیست، در همان حوالی قرار دارد). قبلاً بازار «یاباولو» را «بازار لهستانی» می‌نامیدند چون که سفارت لهستان روبه‌روی آن قرار گرفته است. ولی اکنون نام «بازار روسی» بیشتر به آن می‌آید. در روسیه چیزی شبیه به این بازار وجود ندارد. مقامات رسمی این بازار را صرفاً برای ارضای نیازهای شرکت‌های چینی که با کشورهای مشترک‌المنافع تجارت می‌کنند، ساخته‌اند. چینی‌ها سعی می‌کنند این بازار را لغایت روسی‌زبان کنند. ربان روسی در این بازار تنها وسیله معاشرت است. با توجه به اینکه میهمانان از جمهوری‌های دیگر اتحاد شوروی سابق نیز به زبان روسی چانه می‌زنند، زبان چینی را به هر شکل ممکن تحریف می‌کنند؛ ولی این امر مانع از انعقاد معاملات نمی‌شود. چینی‌ها برای اینکه حرف‌های چینی خود را قابل فهم‌تر کنند، حتی زبان مادری خود را به رسم میهمانان خارجی خراب می‌کنند و از اصواتی استفاده می‌کنند که در زبان‌شناسی نبوده و نیست. در حقیقت امر، این یک بازار دائمی عمده‌فروشی است. مشتریان اصلی آن، سفارش‌دهندگانی از جامعه مشترک‌المنافع هستند که می‌خواهند مقادیر زیاد کالاها را بخرند. مشتریان بالقوه با نمونه‌های کالاها آشنا می‌شوند، درباره اصلاح ضروری کالاها بحث می‌کنند و سفارش می‌دهند. دلالت بی‌درنگ این سفارش را به کمپانی‌های تولیدی منتقل می‌کنند که خیلی سریع آن را اجرا می‌کنند. غیراز عمده‌فروشان در بازار «تجار چمدانی» زیادی هستند که نرخ بازار را مطالعه کرده و سفارش خود را می‌دهند. تقاضا، عرضه متناسبی را به وجود می‌آورد. با توجه به اینکه «روسها» بیشتر به کالاهای ارزان علاقه دارند، در این بازار لباس، اسباب‌بازی و وسایل ارزان الکترونیکی زیاد هستند که صرفنظر از برچسب‌های «ساخت آمریکا» یا «ساخت ژاپن» در چین تولید شدند. بازار «یاباولو» از این نظر با بازار ابریشمی که در نزدیکی آن واقع شده است فرق دارد؛ زیرا که بازار ابریشمی بیشتر با مشتریان غربی کار می‌کند. اینجا شرکت‌های چینی واقع در مناطق آزاد بازرگانی تجارت می‌کنند. آنها مسئول کیفیت کالا‌های خود هستند و مآلاً جنس خود را گرانتر می‌فروشند.

## دولت روسیه هیچ علاقه‌ای از خود نشان نمی‌دهد

البته، هیچ‌کس از دلایان هرگز نخواهد گفت چه معاملاتی و به چه تعدادی به‌عمل آورده است. فقط می‌توان درباره‌ی گردش بازرگانی «یاباولو» حدس زد. اما کسی که صدها شهروند روسیه (تازه الان فصلش نیست؛ در فصل «گرم» زمستان و تابستان عده‌ی آنها خیلی بیشتر است) در حال گشت و گذار در بازار با چمدانهای پُراز دلار (بعضی‌ها بسته‌های دلار را در دست دارند) را می‌بیند، ناراحت می‌شود. این افراد مجبورند مسافت هزارها کیلومتری را طی کنند و ریسک کنند. در این بازار کوچکترین کمکی از سوی دولت روسیه احساس نمی‌شود. اینجا نمایندگی‌های سازمانهای رسمی دولتی، کلویپها و حتی روزنامه‌های روسی یافت نمی‌شوند. این امر با برخورد چینی‌ها که سعی می‌کنند به همه‌ی آرزوهای مشتریان پاسخ بدهند، فرق دارند. در پکن، روسها را «انسانهای پولداری» محسوب می‌کنند که در شرایط کنونی این یک ستایش بزرگ است. چینی‌ها رستورانهای روسی باز می‌کنند که آنجا آشپزهای چینی که در روسیه غذاهای روسی را یاد گرفته‌اند، کار می‌کنند. چینی‌ها به همه‌ی تغییرات در اوضاع بازار روسی توجه می‌کنند و خود را با آن تطبیق می‌دهند. به‌علاوه، این بازار به عامل نیرومند تأمین جمعیت فقیر روسی پکن تبدیل شده است. اینجا نه تنها دانشجویان و استادان از روسیه و کشورهای مشترک‌المنافع که گرسنگی می‌کشند (آنها فقط کمک هزینه‌ی تحصیلی کوچک چینی می‌گیرند و سفارتخانه‌های کشورهای مربوطه به آنها کاری ندارند) به‌عنوان مترجم و دلال کار می‌کنند؛ بلکه پرسنل فنی سفارتخانه‌ها و نیز چینی‌هایی که زمانی در اتحاد شوروی زندگی و کار کرده‌اند و بلدند حداقل به روسی حساب کنند، همین کار را می‌کنند.

## سود مشکوک از صدور اسلحه

تقریباً تنها شاخه‌ای که روسیه می‌تواند به حساب آن حجم تجارت خود با چین را افزایش دهد، صنایع دفاعی است. اصولاً باید از اینگونه قراردادها استقبال کرد. در غیراین صورت چین بازم اسلحه خواهد خرید، ولی از کشورهای اروپایی، آمریکا یا اسرائیل. مسئله فقط این است که این معاملات بلندمدت باشند و مواضع کل تجارت روسی را تحکیم کنند. ولی فعلاً چنین چیزی مشاهده نمی‌شود. به نظر می‌رسد که روسیه قادر نمی‌شود برتری جامع خود را در هیچ جهتی تأمین کند، به‌گونه‌ای که یک قرارداد نه تنها به تولیدکننده‌ی اسلحه پول



بدهد بلکه زیربنای سرویس فنی و شرایط مالی حضور روسیه در چین را اصلاح کند. به عبارت دیگر، روسیه نمی‌تواند آنچه را که لازم می‌داند به چین بفروشد؛ بلکه چین چیزی را انتخاب می‌کند که دیگران نمی‌توانند یا نمی‌خواهند بفروشند.

از سوی دیگر، ایالات متحده مرتباً به چین قراردادهایی با شرایط خود تحمیل می‌کند (و در عین حال واشنگتن و کنگره آمریکا به هر بهانه‌ای پکن را به همه تخلفات واقعی و غیرواقعی متهم می‌کند و در بحران نوبتی چینی - تایوانی ناوگان خود را آموزش می‌دهد). این امر یک مشکل دیگر روسیه در چین است که سیاست واحد جامعه مشترک‌المنافع نسبت به این کشور طراحی نشده است. اوکراین به رقیب جدی روسیه بویژه در صنایع دفاعی، تبدیل می‌شود. مناسبات چین با قزاقستان و سایر کشورهای آسیای مرکزی به سرعت توسعه می‌یابد. پکن و هنگ‌کنگ عملیات خود را در زمینه تجارت خارجی به‌طور معقولانه هماهنگ کرده و سودآورترین پیشنهادها را انتخاب می‌کنند. در نهایت امر، مسکو رهبری سابق خود را از دست می‌دهد، سیاست آسیایی جامعه مشترک‌المنافع مجزا می‌شود و چین از نظر اقتصادی و سیاسی در منطقه تقویت می‌شود.

### بانکهای روسی در چین میلیاردها دلار از دست می‌دهند

عقب‌ماندگی بانکی و مالی روسیه تأثیر بس منفی می‌گذارد. کشورهای مشترک‌المنافع مجبورند از طریق وساطت بانکی هنگ‌کنگ با چین همکاری کنند. اتحادیه بانکی هنگ‌کنگ - شانگهای، یک گروه نیرومند بانکی فراملیتی در بازار نقش اصلی را ایفا می‌کند (مقر ریاست این اتحادیه در لندن است؛ سود آن در سال ۱۹۹۶ برابر ۴/۵ میلیارد لیره استرلینگ بود و دارایی آن بالغ بر ۲۳۶/۶ میلیارد لیره است. اخیراً بدان اجازه کار با یوان، ارز چینی، در بازار داخلی چین داده شد). غیراز آن، پکن قصد دارد یک بانک مشترک با تایوان تأسیس کند که دومین بانک بزرگ چین خواهد شد. هنوز نمایندگی‌های چند بانک خصوصی روسیه (مؤسست - بانک، اینکوم بانک و غیره) تأسیس نشده‌اند. متأسفانه، بانکهای روسی هنوز در چین کار نمی‌کنند. وضعیت عجیبی شکل می‌گیرد. شرکتهای کوچک و متوسط روسی به خدمات بانکی نیاز فراوانی دارند؛ اما دولت روسیه به منافع واقعی مردم خود توجه نمی‌کند و میدان را برای سازمانهای مالی مشکوک و شعبه‌های هنگ‌کنگی بانکهای خارجی خالی



می‌کند که بدون مشکلات خاصی برای آنها حساب باز می‌کنند و سپس به تجارت آنها در سراسر جنوب شرق آسیا سرویس می‌دهند. بازگشایی حساب ارزی در شعبه بانک مرکزی چین هم کار دشواری نیست. به این خاطر بانکهای روسی میلیاردها دلار از دست می‌دهند.

### مبارزه بدون مقررات بین کشورهای مشترک‌المنافع برای چین

بیلوروسی، یکی از شرکت‌کنندگان اصلی در نمایشگاه صنعتی اخیر در پکن بود. غرفه این کشور از همه بزرگتر بود: در نمایشگاه حدود ۳۰ شرکت (عمدتاً دفاعی و تکنولوژیک) که با دو هواپیمای باری فرآورده‌های خود را آورده بودند، شرکت کردند. شرکتهای بیلوروسی و اوکراینی به رقیبان جدی کمپانی‌های روسی تبدیل می‌شوند. طبق اطلاعات رسمی، در سال ۱۹۹۶ تبادلات بازرگانی بین اوکراین و چین تا ۸۵۰ میلیون دلار افزایش یافته است. جای نگرانی است که روسیه، اوکراین و بیلوروسی سعی نمی‌کنند سیاست واحد بازرگانی را طراحی کنند. برعکس، نمایندگان اوکراین و بیلوروسی روسیه را به دامپینگ و نقض مقررات متهم می‌کنند. نمایندگان کارخانه «کراز» چنین مثالی را زدند.

آنها می‌گویند که سه سال پیش اوکراین برای بازپرداخت بخشی از بدهی‌های خود، به روسیه ۲ هزار کامیون منتقل کرد. مسکو این ماشینها را میان شرکتهای مختلف توزیع کرد که بعد از مدتی آنها را به ثمن بخش به چین فروختند و بدین وسیله به مارک تجاری «کراز» لطمه زدند. نمایندگان کارخانجات اتومبیل‌سازی «ژاپوروژیه» و بیلوروسی همین واقعیات را ذکر می‌کنند. بویژه از کارخانه «کاماز» انتقاد می‌کنند. به عقیده اوکراینی‌ها، روسیه و کاماز دلالتان چینی خود را کنترل نمی‌کنند که کامیونها را به قیمت‌های «کشنده» ۱۵-۱۴ هزار یا حداکثر ۱۹ هزار دلار می‌فروشند (جهت مقایسه، کامیونهای مشابه «سامسونگ» ۵۰ هزار دلار می‌ارزند و «کراز» تلاش می‌کند کامیونهای خود را به قیمت ۴۵-۳۵ هزار دلار بفروشد). بعید است که این دامپینگ آشکار بتواند برای روسها توفیق بلندمدتی تأمین کند. به احتمال قوی، به این ترتیب هر فرصتی برای همکاری بین‌المللی با طرف اوکراینی در بازارهای اتومبیل چین و کشورهای دیگر منتفی خواهد شد.

کمرسانت دیلی، ۹ آوریل ۱۹۹۷

ایگناتی تروبوکین